

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooon.com](http://www.kandooon.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

آدارة كل آموزش و پرورش منتقطه (۹)

موضوع:

انگیزش در کلاس درس

استاد راهنما:

دکتر حمزه گنجی

محقق:

فتانه امینی

سال ۱۳۸۵

## فصل اول

دانش آموزان دارای انگیزش:

معلمان به طور معمول دانش آموزانی را که سخت کوش، ساعی و علاقه مند به دروس باشند، در زمره دانش آموزان خوب قرار می دهند و یا به طور خلاصه می گویند: دانش آموزان خوب، آنهایی هستند که در دروس خود انگیزه دارند. احياناً منظور ایشان دانش آموزانی است که در فعالیتهای آموزشی خود موفق هستند. به طور کلی همه انسانها به جز بیماران روحی - روانی برای برخی کارها انگیزه دارند و برای برخی دیگر هیچ انگیزه ای ندارند. همواره دیده ایم که بعضی از جوانان به طور مثال برای بازی فوتبال انگیزه دارند، برخی دیگر فرضاً برای خرید موتور سیکلت و برخی هم برای اینکه دیگران ناراحتی های مختلف را به وجود آورند، انگیزه دارند. در واقع همگی برای کای انگیزته شده اند، و دلیل ندارد که این کار همواره تکالیف مدرسه باشد.

در شرح فوق در زمینه ویژگیهای دانش آموزان خوب می بینیم که نوعاً معلمان برهوش تاکید نسبتاً کمی دارند. و بیش از هوش به عنوان یک کیفیت خوب، انگیزش دارای اهمیت است. همواره دانش آموزان سخت کوشی هستند که در کارهای خود پیشرفت هرچند کند اما یکنواختی دارند و همچنین دانش آموزان باهوشی هستند که از تواناییهای خود به خوبی بهره

نمی گیرند. معلمان به طور معمول داشتن دانش آموزان نوع اول را بر نوع دوم ترجیح می دهند.  
این معلمان بر این باورند که دانش آموزان دارای انگیزش، حتی اگر از پیشرفت اندکی برخوردار  
باشند، در محدوده توانایی خود عمل می کنند. بنابراین تلاش برای افزودن انگیزش تحصیلی از  
اهمیت بسزایی برخوردار است. دیگر آن که نظارت بر کلاسی که دانش آموزان دارای انگیزش  
دارد، با دشواری چندانی روبرو نمی شود. چنین دانش آموزانی به برنامه انضباطی نیازی ندارند و  
به توصیه های معلم توجه می کنند و در موارد لازم به بحث و گفتگو با معلم می پردازند. معلم  
نیز ترغیب می شود تا برای بهبود کیفیت آموزش خود تلاش بیشتری کند.

### بالا بردن انگیزش تحصیلی:

شیوه معمول معلمان در این مورد عبارت از توجه داشتن به انگیزش بیرونی است. در این جا چند نمونه از آن را برمی شماریم: دانش آموزان در انجام یکی از فعالیتهای خود به طور موفق عمل کرده است. معلم با تبسم کردن به او می فهماند، و یا به او جایزه می دهد، و یا به او اجازه می دهد در رشته ورزشی مورد علاقه خود امکاناتی را به دست آورد. همه اینها موجب افزایش انگیزش بیرونی است. هنگامی هم که معلمی تازه کار به محیط آموزشی وارد می شود، همه معلمان استفاده از چنین روشهایی را به او گوشه زد می کنند. البته خود این معلمان تازه کار نیز در دروان تحصیل خود از جانب معلمان خویش چنین برخوردهایی را همواره تجربه کرده است. و برای همین است، که توجه به این روشها همچنان پای برجا می ماند و گویی اموری بدیهی هستند. اما در مورد عنایت به انگیزش درونی با نمونه های اندکی مواجه هستیم. مدیران و معلمان به طور معمول قادر نیستند معلمان تازه کار را در این راستا هدایت کنند. پیش از این برای مدتی قلیل از جانب مسؤلان آموزشی تلاش شدن، تا با اتخاذ برخی روشها بتوان انگیزش درونی را نزد دانش آموزان پرورش داد. در این مورد تصمیم گرفته شد، که اداره کلاس بر عهده دانش آموز باشد و هیچ نظارت از پیش تعیین شده ای اعمال نگردد. و یا این که دانش آموز در پایان سال تحصیلی هرگز با شکست تحصیلی مواجه نشود و به هر صورتی که به فعالیتهای آموزشی خود پرداخت، این امر موجب شکست وی نباشد. اما در عمل این طرحها با موفقیت همراه نبوده است و پس از ناکامی در این امر حتی از قبل نیز پاداش و تنبیه های بیشتری مورد استفاده قرار گرفت. عدم موفقیت چنین طرحهایی برای این است، که اصولاً انگیزش درونی آن گونه که لازم است،

مورد ادراک قرار نگرفته است. مطلب بسیار ظریفتر از آن است، که در بدو امر به نظر روانشناختی متغیر است و هیچ‌دانش‌آموزی همواره نسبت به فعالیتی خاص از انگیزش درونی ثابت برخوردار نیست. با تغییر شرایط، ادراک کفایت و خودمختاری دانش‌آموز نیز نسبت به خود تغییر می‌کند. البته همه دانش‌آموزان همواره نسبت به فعالیتی خاص از انگیزش درونی ثابت برخوردار نیست. با تغییر شرایط، ادراک کفایت و خودمختاری دانش‌آموزان نیز نسبت به خود تغییر می‌کند. البته همه دانش‌آموزان در دوران تحصیل خویش انگیزش درونی را تجربه می‌کنند اما معلمان بایستی به دانش‌آموزان بفهمانند، که چگونه خود را با تغییر شرایط جدید سازگار کنند. البته معلمان نیز باید در نظر داشته باشند که اغلب اوقات شکل‌گیری شرایط جدید درونی در دانش‌آموزان بسیار به کندی صورت می‌گیرد. چنین دانش‌آموزانی پس از سالها شکست در امر آموزش خود به این باور می‌رسند که اصولاً قادر به غلبه بر مشکلات نیستند بدیهی است که تجدید نظر در این گونه باورها به سرعت انجام نمی‌پذیرند. اما هرچند به کندی، لیکن با صبر و استقامت می‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. هدف ما در این کتاب آن است، که هم معلمان تازه‌کار و هم معلمان آزموده به انگیزش درونی دانش‌آموزان پیانده‌شانند و تلاش کرده‌ایم در این راه یاور ایشان باشیم.

## روابط معلم و دانش آموز:

آموزش، بدون ایجاد رابطه معنایی نخواهد داشت. معلمان در همان آغاز کار خود پی می‌برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد. آنان از خود می‌پرسند، آیا باید به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آنها عشق ورزید و یا باید سخنگو بود و انتظارات زیادی از آنها داشت؟ آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آنها فاصله گرفت؟ اینها پرسشهایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند. معلمان با تجربه که شیوه خاصی را پس از طی سالها برگزیده‌اند، کمتر در این موارد می‌اندیشند. به هر حال توصیه می‌شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل‌گیری گرایش‌های انگیزش دانش آموزان توجه کنند. در این فصل و چند فصل دیگر چندین روش برقراری ارتباط را مورد بحث قرار می‌دهیم، که موجب بهبود انگیزش تحصیلی دانش آموزان می‌گردد. در آغاز می‌توان گفت که رابطه مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان معلم و دانش آموز هم موجب می‌شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می‌بخشد.

ایجاد روابط مثبت با دانش آموزان :

شرح:

اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه ای مطلوب، دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه و اولین دیدارهای دانش آموزان به آنها احترام نگذاشته اند در برابر آنها نخندند. زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که در روزهای اول به دانش آموزان نشان دهید که به آنها علاقه دارید و می توانید به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع کنند. هدف اصلی در واقع آن است که معلم باید به عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد برای دانش آموزان مطرح گردد. خوشبختانه راههای بسیاری برای این منظور وجود دارد و ما به رایج ترین آنها خواهیم پرداخت. در این جا باید به یاد داشت که هرگونه برخورد با دانش آموز در تقویت یا تضعیف تصور آنها نسبت به معلم موثر است. بنابراین معلم نمی تواند فقط زمان معنی از روز را به برقراری ارتباط با شاگردانش اختصاص دهد. بلکه تلاش برای رابطه مثبت باید همه اوقات معلم و دانش آموزان را

دربر گیرد.

اجتناب از تنبیه شدید و مکرر:

معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش آموزان داشته باشند یعنی رابطه‌ای که موجب افزایش انگیزش تحصیلی آنها شود، برای آموزش رفتار مناسب نباید بر تنبیه متکی باشند. اغلب تنبیه‌ها با هدفی فراتر از خجالت دادن و ناراحت کردن دانش آموزان در نظر گرفته می‌شوند. در گذشته دانش آموزان به دلیل بی‌توجهی به درس مورد تنبیه جسمی قرار می‌گرفتند و امروزه نیز با این که این گونه تنبیه‌ها کمتر رایج است، اما بیشتر تنبیه‌ها به نحوی برای آزرده کردن دانش آموزان صورت می‌گیرد. برای مثال، نوشتن ۵۰۰ مرتبه جمله «من وسایلم را فراموش نمی‌کنم» و یا رفتن به مدرسه در روزهای تعطیل و یا ایستادن در گوشه کلاس و یا ماندن در مدرسه بعد از تعطیل مدرسه، همگی مواردی هستند که موجب آزرده‌گی دانش آموزان می‌شود. معلمانی که چنین تنبیه‌هایی را مقرر می‌کنند، انتظار دارند که به نتایج مطلوب هم دست یابند. برخی از معلمان که خود مایل به تنبیه دانش آموزان نیستند، از والدین کودک می‌خواهند تا آنها را به دلیل رفتار مناسب در مدرسه، خود تنبیه کنند. در این موارد به طور معمول والدین محرومیت‌هایی را برای کودک خود ایجاد می‌کنند، که در نتیجه رابطه معلم و والدین با دانش آموز دچار اغتشاش می‌شود.

اگر چه والدین باید از نحوه عملکرد فرزندان خود در مدرسه آگاه باشند، اما نباید از والدین خواست تا آنها را تنبیه کنند. روش بهتر آن است که کاری کنیم تا والدین با امر آموزش فرزند خود درگیر شوند. باید آنان را ترغیب کرد تا کودک را به دلیل انجام تکالیفش در منزل تشویق کنند. باید دانش آموز را به کتابخانه ببرند و به او کمک کنند تا کتابهای مربوط به یک تکلیف را



بیابد و از راههای گوناگون او را برای به دست آوردن موفقیت‌های کوچک در مدرسه تشویق کنند. معلمانی که برای موفقیت درسی کودکان به این شکل از والدین استفاده می‌کنند، در یاری رساندن به دانش‌آموزان خود موفق‌تر هستند. برعکس معلمانی که همواره در انتظار شکست یا رفتار مطلوب دانش‌آموز هستند، اغلب بیشتر باعث می‌شوند تا مشکلاتی به وجود آید.

اگرچه به ظاهر شاید این طور به نظر آید که معلم نباید هرگز دانش‌آموز را تنبیه کند، اما در واقع دوری کامل از راهبردهای تنبیه شاید دشوار باشد. معلم باید چگونگی استفاده از روشهای انضباطی و تنبیه‌های خفیف را بیاموزند، البته به گونه‌ای که به روابط میان معلم و دانش‌آموز آسیبی نرساند. برای دوری کردن از عوارض زیانبار تنبیه، ابتدا باید خیلی کم از آن استفاده شود. معلمی که تنبیه به عنوان اولین و تنها راهبرد برخورد با دانش‌آموز استفاده می‌کند به انگیزش تحصیلی آنها آسیب شدیدی می‌رساند.

با این حال هنگامی که در کنار استفاده از روشهای غیر تنبیهی، رفتار نامناسب دانش‌آموزان همچنان ادامه می‌یابد، در این صورت باید تنبیه جزئی باشد و فقط به عنوان هشدار از آن بهره گرفته شود. هدف آن است که دانش‌آموز دریابد از مرز رفتار مورد قبول فراتر رفته است و امکان دارد رفتار ناراحتیهای جسمی و روانشناختی را برای دیگران باعث شود. در واقع تنبیه باید بیشتر از آن که واقعی باشد، نمادی باشد.

یکی از راههای تنبیه خفیف، استفاده صحیح از روش محروم کردن است. بطور مثال، وقتی دانش‌آموزی با مدادش به پشت همشاگردی خود که در جلوی او نشسته است، می‌زند معلم می‌تواند خیلی آرام به وی نزدیک شود و مدادش را بگیرد و به او بگوید «می‌توانی مدادت را

در آخر وقت کلاس از من بگیری» به این طریق وی را از وسیله‌ای محروم کرده‌ایم، که با آن دوستش را اذیت می‌کرده است. همین‌طور اگر دانش‌آموزی مزاحم دیگران است، می‌توان از اوخواست تا به آخر کلاس برود و دور از دیگر دانش‌آموزان بنشیند. البته باید وی را چنان در این مسیر هدایت کرد، تا دیگران متوجه نشوند. به این ترتیب دانش‌آموزان از موقعیتی که رفتار ناپسندش را تقویت می‌کند بیرون برده می‌شود.

به‌طور معمول لازم است تا دانش‌آموز چند دقیقه‌ای در محل جدید باشد تا در مورد رفتار مزبور بیندیشد. بعد به طوری که دیگران متوجه نشوند، می‌توان به دانش‌آموز نزدیک شد و به آرامی از وی پرسد: «فکر می‌کنی چرا از تو خواستم در اینجا بنشینی؟» معلم منتظر می‌شود تا پاسخی مناسب بشنود. سپس وی را با مهربانی به جای خود باز می‌گرداند. لازم است گفته شود که در این روش منظور این نیست که دانش‌آموز به خاطر از دست دادن چیزی با ارزشی احساس ناخوشایندی پیدا کند، بلکه منظور انتقال این موضوع به دانش‌آموز است که رفتارش از حد قابل قبول تجاوز کرده است و معلم اجازه نمی‌دهد تا چنین رفتاری ادامه یابد. گاهی لازم است تا دانش‌آموز را از کلاس بیرون فرستاد و این به هنگامی است که او از رفتن به آخر کلاس خودداری می‌کند.

اگر چنین دانش‌آموزی از کلاس بیرون نرود باید از ناظم خواست تا او را از کلاس بیرون ببرد. اما در این حالت نیز نباید دانش‌آموز را با این قصد بیرون فرستاد که مورد بازداشت قرار گرفته است یا کاری اضافی را باید انجام دهد. بلکه دانش‌آموز باید به دفتر مدرسه برود و در جایی به آرامی بنشیند و لازم است تا فردی بزرگسال هم نزد وی باشد، اما نباید دانش‌آموز دیگری همراه

وی باشد. بعد از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه، مدیر با مشاور مدرسه باید از او بپرسد چرا به دفتر فرستاده شده است؟ اگر بتواند علت آن را توضیح دهد، باید خیلی ساده به کلاس برگردد. البته بیرون کردن دانش آموز از کلاس باید هنگامی صورت گیرد، که دیگر تلاشها با شکست مواجه شده است. دور از انتظار نیست که اغلب معلمان در به کارگیری این روش تنبیهی با مشکل مواجه می شوند و تعداد اندکی نیز از آن استفاده می کنند. برعکس اشکال سنتی تنبیه مثل بازداشت، تعلیق و تکلیف اضافی به طور عمده در نظام آموزشی در مورد استفاده قرار می گیرد.

با این حال اگر این روشهای تنبیهی موفق بودند. رفتارهای نامطلوب باید کاهش می یافتند. در حالی که مشاهده می شود، که چنین نیست و بی علاقه دانش آموزان همواره افزایش می یابد. گزارشهای مدیران، معلمان دانش آموزان و والدین این را تایید می کند. به طور کلی دانش آموزانی که اغلب به شدت مورد تنبیه قرار می گیرند، به دو صورت پاسخ می دهند. اول آن که آنها می آموزند که دیگر انسانها را می توان از طریق تهدید و آزار و اذیت کنترل کرد و در نتیجه رفتارهای پر خاشگروانه در مدارس افزایش می یابد، و یا شیوه تسلیم و اطاعت را پیش می گیرند، که این امر موجب بی علاقه آنها نسبت به فعالیتهای تحصیلی می گردد. هرچه معلم کمتر از تنبیه استفاده کند بهتر است. در موارد نادر هم که تنبیه جزئی ضرورت می یابد، معلم می باید تلاش کند تا عصبانی نشود. مردم اغلب به هنگام عصبانیت به دیگران پر خاش می کنند.

برخی از معلمان نیز ممکن است دانش آموزان را مورد توهین، تهدید و تحقیر قرار دهند. چنین مواردی حتی می تواند در لحظه های بحرانی برخورد مسلط باشند، قادرند با چنین موقعیتهایی سازگاری یابند، به طوری که روابط آنها با دانش آموزان دچار اختلال نشود. اما بسیار تفاق

می‌افتد که حتی آرام‌ترین و منطقی‌ترین معلمان هم به‌طور ناخواسته دانش‌آموزی را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. در این موارد یک پوزش ساده از جانب معلم می‌تواند نتیجه خوبی داشته باشد و حتی روابط فیما بین را بهتر کند. من خود به خاطر می‌آورم که یک بار به یکی از دانش‌آموزانم پرخاش کردم و به او گفتم «برگرد و خفه شو». دانش‌آموزان همگی بسیار تعجب کردند، چون تاکنون چنین رفتاری را از من مشاهده نکرده بودند. چند دقیقه بعد هنگامی که آرام گرفتم و آن دانش‌آموز به آرامی مشغول انجام تکالیفش بود. به نزد وی رفتم و از او پوزش خواستم و گفتم: «از آن چه اتفاق افتاد متاسفم، من سعی می‌کنم با هیچکس این گونه صحبت نکنم. حدس می‌زنم که آن وقت از این که شما به درس توجه نداشتید، ناراحت شدم.» هنگامی که معلم با دانش‌آموزان خود این گونه رفتار کند و مسولیت رفتار مناسب خود را بپذیرد، آنها نیز نه تنها تنبیه‌ها را فراموش می‌کنند، بلکه به اشتباهات خود هم پی‌می‌برند.

اجتناب از شوخی:

روش دیگر برای ایجاد رابطه مطلوب با دانش‌آموزان اجتناب از شوخیهای زاید است. برخی از معلمان در برخورد با دانش‌آموزان بد رفتار از عبارات تمسخرآمیز استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان در این موارد احساس می‌کنند که مورد تهدید واقع شده‌اند. البته فرق نمی‌کند که این گونه شوخیها برای آزردن و کنترل باشد و یا ظاهری دوستانه داشته باشد. به ویژه این که کودکان و نوجوانان به طور معمول قادر به ادراک شوخیهای افراد بزرگسال نیستند و امکان دارد سخنان محبت‌آمیز آنان را تمسخر تلقی کنند. البته منظور این نیست، که در کلاس هیچ مزاحمی نباید صورت گیرد، بلکه فقط نباید دانش‌آموزان مورد تمسخر قرار گیرند.

پرهیز از پیش داوریهای غیر منصفانه:

معلمان نیز همچون دیگر انسانها در بعضی زمینه ها پیش داوریهایی دارند. مثلا، این که تفاوت‌های ذاتی میان زن و مرد وجود دارد و یا آن که آن کس که موقعیت اجتماعی بهتری دارد، فرد برتری است و غیره. که البته همه این پیش‌داوریه‌ها زیانبار است و برای از بین بردن آنها باید تلاش کرد. اولین گام برای پرهیز از این گونه موارد، آن است که معلم باید صادقانه به آن چه باور دارد اعتراف کند. زیرا اگر آنها را انکار کند، نمی‌تواند دانش‌آموزان خود را از عواقب ناخوشایند آن دور دارد. پس از آن که معلم باید تلاش کند تا بین دانش‌آموزان خود دیگر تفاوت نگذارد. برخی از دانش‌آموزان بیش از همکلاسیها به توجه معلم خود نیاز دارند. بدیهی است که معلم نیز باید روشهای آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیازهای متفاوت دانش‌آموزان سازگار کند. روابط خصوصی معلم با برخی از دانش‌آموزان بسیار زیانبار است زیرا دیگر دانش‌آموزان آن را نوعی تبعیض می‌شمارند. این امکان باید برای همه دانش‌آموزان فراهم باشد، اما به طور معمول معلمی که فرضا به ورزش علاقمند است با دانش‌آموزان ورزش دوست بیشتر رابطه برقرار می‌کند و غیره. درحالی که معلم مسولیت حرفه ای دارد که همه شاگردان چنین رفتاری داشته باشد، حتی اگر همه دانش‌آموزان با طور یکسان به معلمان نشان ندهند، اما معلم باید این فرصت را در اختیار همه ایشان بگذارد.

ابراز علاقه و توجه به دانش‌آموزان: معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می‌رود، به دانش‌آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت. بلکه فقط باید به دانش‌آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می‌برد. برای مثال، یک معلم دبیرستان

به دانش آموزان خود گفت که روزهای بارانی موقع ناهار آنها می توانند از اتاقش استفاده کنند. این معلم تا پایان سال تحصیلی به آن چه گفته بود، عمل کرد. بسیاری از دانش آموزان، اما نه همه آنها دعوت او را برای صرف ناهار در اتاقی گرم پذیرفتند. حتی تعدادی از دانش آموزان کلاسهای دیگر نیز به همراه دوستان خویش به آن جا می آمدند. درحالی که دانش آموزان غذا می خوردند و همدیگر را ملاقات می کردند، معلم نیز غذایش را می خورد و اوراق آنها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر آسایش دانش آموزان خود را به دردرس اندازد، بلکه او با این کار فقط علاقه واقعی خود را به آنها نشان داده است.

معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پرخاشگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آنها به طور معمول قلم و دفترچه خود را به هماره نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت، او با قلمهایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هرکسی می گذاشت. همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام و کاغذ نشان می داد که درباره موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند.

یکی از روشهای دیگر برای آن معم علاقه خود را به دانش آموزان نشان دهد، حضور در برنامه های فوق برنامه تحصیلی ایشان است. برای مثال، معلم با شرکت در بازهای دانش آموزان به آنها نشان می دهد، که از بودن در جمع لذت می برد. بنابراین شرکت مسقیم در فعالیتهای و یا قبول وظیفه ای جانبه و تشویق دانش آموزان آنها را متوجه علاقه معلم به فعالیتهای آنها می کند. به

علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه‌های آخر هفته، تعطیلات و طرح‌های آینده دانش‌آموزان می‌تواند علاقه خود را به آنها نشان دهد.

همچنین صحبت‌های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین‌بازی و غیره با دانش‌آموزان نشان‌دهنده آن است، که به آنها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش‌آموز توجه می‌کنند، باعث می‌شوند تا دانش‌آموز وی را علاقمند به خود بدانند. دانش‌آموزان باید بدون در نظر گرفتن تواناییها و یا شکست‌هایشان امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی گیرند.

ثبات داشتن و بخشنده بودن:

معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند، در رابطه خود با دانش‌آموزان بسیار موفق هستند. دانش‌آموزان معلمی می‌خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش‌بینی باشد. معلمی که یک روز رفتاری دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد، موجب می‌شود تا دانش‌آموزان از درمیان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش‌آموزان نباید شاهد بی‌ثباتی در رفتار معلم باشند. حتی دانش‌آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده‌اند، باید بتوانند روز بعد به راحتی به سرکلاس بیایند. معلم باید با آنها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی‌نظمی‌های آنها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری بپردازد. در واقع معلمان باید پیام‌رسانند که کینه خود را دور بریزند و همان‌طور که دوست دارند دیگران خطای آنها را ببخشند، آنها نیز از خطاهای دانش‌آموزان چشم‌پوشی کنند.

داشتن انتظاراتی بالا و ممکن:

معلمی که خواهان رابطه‌ای مثبت و سازنده با دانش‌آموزان است، باید اعتقاد به قابلیت‌ها را در آنها پرورش دهد. راههای زیادی برای این منظور وجود دارد. اول واگذار کردن فعالیتهای نسبتاً دشوار به دانش‌آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آنها اندک است و موجب افزایش تواناییهای دانش‌آموزان می‌شود، معلم اعتقاد خود را نسبت به قابلیت‌های دانش‌آموزان به آنها القا می‌کند. برعکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد، ممکن است سبب شود تا دانش‌آموزان فکر کنند معلم آنها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می‌داند.

درحالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش‌آموزان باشد، اما چنان چه آنها نتوانند در آنها موفقیت کسب کنند، ارزش چندانی امید موفقیت در آنها نمی‌رود به دانش‌آموزان واگذار نکند، که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آنها تقویت خواهد شد. استدلال آنها چنین است: «معلم تنها کاری را به من می‌دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی‌توانم آن را انجام دهم، پس توانایی ام کمتر از حد انتظار است». معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش‌آموزان برای فعالیتهای آموزشی و غیره حمایت کند. تعریف کار نسبتاً دشوار آن است که دانش‌آموز خود به تنهایی نتواند آن را به انجام مطلوب رساند، اما به کمک معلم، والدین و یا همکلاسیها بتواند از عهده‌اش برآید. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است، که دانش‌آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند.



## تحلیل:

خوشبختانه روابط مبتنی بر محبت، احترام و باور متقابل میان معلم و دانش آموز بیش از آن چه گفته شد به چشم می خورد. همه ما حتما معلم یا معلمانی داشته ایم، که این گونه بوده اند و چه بسا موفقیت های بعدی خود را مدیون آنها هستیم. پرسش قابل ذکر این است که چگونه رابطه میان معلم و دانش آموز می تواند برگرایش انگیزشی دانش آموزان تاثیر بگذارد؟

شناخت تاثیر تنبیه های شدید از اهمیت بسیاری برخوردار است. چون تنبیه با ایجاد هراس همراه است، موجب می شود تا فرد تنبیه شده کنترل خود را بر موقعیت، ضعیف بشمارد. وی انتخاب خود را محدود می بیند و لازم می داند که خود را با شخص قدرتمند تطبیق دهد. خوشبختانه راهبردهای محروم نمودن که پیش از این گفته شد، تهدیدی جدی برای کنترل اداراک شده دانش آموز نیست. برای مثال، دانش آموزی که به آرامی و بدون توجه دیگران به آخر کلاس فرستاده می شود و سپس در کمال مهربانی از وی علت این کار پرسیده می شود، در واقع وی را آزاد گذاشته ایم خود به بیان علت پردازد. چنین روشی برای جلوگیری از رفتار نامناسب و به دانش آموز فرصت می دهد تا در اعمال خود دقت کند و مسئولیت آن را بپذیرد. معلم برایش سخنرانی نمی کند و او را به دلیل خطاهایش تهدید نمی کند. به این ترتیب درحالی که رفتار نامناسب ادامه نمی یابد، تصور دانش آموز در مورد کنترل خود بر موقعیت یادگیری نیز آسیب نمی بیند.

یکی از اثرات مثبت اجتناب از تنبیه آن است، که دانش آموزان از معلمان خود متنفر نمی شوند. همچنین هنگامی که معلم از آزرده شدن دانش آموزان و پیش داوریهای غیر اصولی پرهیز می کند و

نیز توجه و علاقه خود را به آنها ابراز می‌دارد، رابطه‌ای مطلوب میان معلم و دانش آموز برقرار می‌شود. هنگامی که دانش آموزان، معلم خود را دوست داشته باشند و به او اعتماد کنند و احترام بگذارند، تأثیر به سزای بر گرایشهای انگیزش تحصیلی ایشان خواهد داشت.

هنگامی که دانش آموزان به معلم خویش اعتماد دارند، احساس امنیت می‌کنند، زیرا می‌دانند در صورت بروز مشکل، معلم حتماً از آنها حمایت خواهد کرد. همچنین این امر موجب می‌شود تا ادراک کفایت آنها افزایش یابد. اهمیت این امر را می‌توان در رابطه کودکان خردسال با والدین خود مشاهده نمود. کودکانی که رابطه مطمئن و امنی را با والدین خود می‌دارند، بیش از دیگر کودکان به کارهای مخاطره آمیز دست می‌زنند، بیشتر محیط اطراف خود را جستجو می‌کنند و با فاصله گرفتن از والدین خود و رفتن به سوی اشیا و رویدادهای جالب، تواناییهای خود را بوته آزمایش می‌گذارند. آنها آشکاراً احساس اطمینان و کفایت بیشتری دارند و انگیزش بهتری در همه موارد از خود نشان می‌دهند. دانش آموزانی که به معلم خود اعتماد دارند، در کاوشهای تحصیلی جسارت بیشتری نشان می‌دهند. معلم نیز باید بخواهد که دانش آموزان همواره برای کارهای جدید، متفاوت و مشکل آماده باشند. یادگیری یعنی دستیابی به فراسوی آنچه در حال حاضر می‌دانیم و آگاهی یافتن از چیزهای ناشناخته. هنگامی که دانش آموزان به معلم خود اعتماد دارند و رفتار وی را قابل پیش‌بینی می‌دانند و همواره از راهنماییهای شخصی و تحصیلی وی بهره می‌گیرند، احتمال این که برای دروس خود به دنبال راههای آسان باشند، کمتر است، بلکه مایلند بیشتر تواناییهای خود را به آزمایش بگذارند، چون اطمینان دارند که با حمایتهایی که از آنها می‌شود، با مشکل روانشناختی خاصی مواجه نخواهند شد.

طریق دیگر برای تاثیرپذیری مثبت گرایشهای انگیزشی دانش آموزان، سرمشق دهی است. چنانچه دانش آموزان به معلم خود احترام بگذارند، معلم به عنوان سرمشق برای آنها مطرح می شود. فرآیند رابطه معلم و دانش آموز بسیار شبیه رابطه والدین و کودک است. کودکان ارزشهای والدین خود را درونی می کنند. در خردسالی کودکانی که والدین خود را دوست دارند و به آنها اعتماد دارند، می خواهند چیزی از آن چه والدینشان انجام می دهند باشند. بنابراین والدین خود را تعقیب می کنند و در بسیاری از کارها به آنها کمک می کنند و یا وقتی آنها مشغول مطالعه کتاب یا روزنامه ای هستند، در آغوش آنها می نشینند. کودکان به این طریق می آموزند که والدینشان چه فعالیتهایی را ارزشمند می دانند. در واقع والدین با دخالت دادن کودکان در فعالیتهای خاص آنها را برای ایشان سرمشق دهی می کنند.

در نهایت کودکان مستقل می شوند و خود به تنهایی به امور مختلف می پردازند. ابتدا انجام این فعالیتها از سوی کودکان به دلیل نظر مثبت والدین انجام می شود. یعنی کودکان زندگی را با تمایل شدید برای انجام کارهای دشوار شروع نمی کنند، بلکه به تدریج ارزش مطالعه و داشتن خانه ای تمیز را درونی می کنند. بنابراین آنچه در آغاز برای والدین ارزشمند بود، در نهایت برای خود آنها ارزش می شود.

معلمانی هم که با دانش آموزان رابطه دارند و برای آنان سرمشقی مورد اعتماد و احترام هستند، می توانند با بیان ارزشهای خویش به ایجاد ارزشهای تحصیلی نزد دانش آموزان کمک کنند. البته لازم نیست معلم درباره ارزش تحصیلات بالاتر برای ایشان سخنرانی کند، بلکه می تواند با راهنمایی های آموزشی، مطالعه، اظهار نظر در مورد عقاید علمی و کتب مختلف، علاقه و تعهد

خود را به مسأله آموزش نشان دهد. باز هم می‌گوییم که انتقال ارزشها تنها زمانی امکان‌پذیر است که کودک به بزرگترهای خود اعتماد داشته باشد و به آنها احترام بگذارد. در غیر این صورت ارزشها و استانداردهای آنها را نخواهد پذیرفت.

اجتناب از روابط وابستگی‌زا:

شرح:

در حالی که روابط محبت‌آمیز و همراه با اعتماد و احترام میان معلم و دانش‌آموزان در حفظ و گسترش انگیزش دانش‌آموزان مهم است، دشواریهای بالقوه‌ای را نیز به همراه دارد. حادثترین این دشواریها عبارت از وابستگی بیش از اندازه برخی از دانش‌آموزان به تایید و تمجید معلمان است. پیش از آن که چنین دانش‌آموزانی بتوانند درباره خودشان احساس خوبی داشته باشند، لازم است معلم پیشرفتهای آنها را شناسائی و آنها را تحسین کند. متأسفانه این گونه دانش‌آموزان، معیارهای درونی خود را که بتوان از آن طریق در مورد خود و کار هایشان داوری کنند، از دست داده‌اند، یا از آغاز، چنین معیارهایی در آنها رشد نکرده است. بنابراین معلمانی که به وضوح برای برقراری ارتباط مثبت با دانش‌آموزان خود تلاش می‌کنند باید مراقب این گونه وابستگی دانش‌آموزی باشند.

افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش‌آموز:

در مبحث قبل پیرامون این که معلم چگونه می‌تواند رابطه‌ای مثبت با دانش‌آموزان داشته باشد، سخن گفتیم، شاید خواننده عدم تاکید بر موارد درسی را متوجه شده باشد. توجه به راهبردهای غیردرسی از این نظر اهمیت دارد، که به معلم اجازه می‌دهد تا محبت و احترام خود را نسبت به

دانش آموزان از توانایی و عملکرد تحصیلی آنها جدا کند. اگر همه روابط در زمینه تحصیلی دور بزند، دانش آموزان کارآمدتر نسبت به همکلاسیهای خود در ایجاد رابطه مفید با معلم از فرصتهای بیشتری برخوردار خواهند بود. درحالی که همه دانش آموزان نیاز دارند تا مورد احترام و علاقه معلمشان قرار گیرند، حتی اگر رفتار و نگرشهای آنها همیشه مورد تاکید معلم نباشد. در واقع دانش آموزانی که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند، نسبت به همکلاسیهای خود به داشتن رابطه مثبت با معلم با تاکید بر موقعیتهای غیر تحصیلی می تواند توجه و احترام خود را به طور مساوی میان دانش آموزان تقسیم کند.

دستیابی به موقعیت برای برقراری رابطه با دانش آموزانی که دشواریهای تحصیلی و رفتاری دارند، شاید دشوار باشد. من می توانم خاطره ناخوشایندی را درباره یک نوجوان تازه وارد به دبیرستان به یاد آورم. که طی ۱۰ ثانیه اول ورود خود به کلاس ایجاد اختلال می کرد. در آن هنگام می دانستم که ایجاد رابطه باید در موقعی که دانش آموز آرامش دارد، صورت گیرد. اما مشکل این بود، که این نوجوان به راحتی چنین لحظاتی را در اختیارم نمی گذاشت، بنابراین تصمیم گرفتم هر روز قبل از ورود به کلاس کنار در بایستم و با جمله های کوتاه و خوشایند به دانش آموزان، بتوانم قبل از این که نوجوان مزبور فرصت یابد تا اختلالی ایجاد کند، تعامل مثبتی را با او داشته باشم. در واقع معلم نباید همواره در انتظار فرصتهای تصادفی باشند، بلکه خود نیز باید ابتکار به خرج دهند و چنین فرصتهایی را ایجاد کنند. به ویژه این امر برای دانش آموزانی لازم است که در حالت معمول کمتر قادرند تا تحسین معلم را متوجه خود کنند.

تصریح می‌گردد که هدف معلم باید ایجاد رابطه‌ای غیر مشروط با دانش‌آموز باشد. برعکس اندیشه بسیاری کسان، دانش‌آموزان نباید در جستجوی کسب احترام از معلم باشند، بلکه معلم تعهد حرفه‌ای دارد، که در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با همه آنها رفتار خوبی داشته باشد. البته مقصود این نیست که معلم باید رفتارهای نامناسب را در نظر نگیرد، بلکه هدف آن است که رفتار نامناسب دانش‌آموز نباید باعث قطع روابط محبت آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش‌آموز و معلم گردد. مانند والدین که حتی اگر فرزندانشان خطایی مرتکب شوند، بازهم محبت آنها را در دل خواهند داشت.

اجتناب از تحسین و تمجید افراطی: شاید یکی از شایعترین عقاید در حرفه معلمی مربوط به نتایج مثبت تحسین و تمجید باشد. دانش‌آموزان در ازای کارهای زیادی مانند درست نشستن در کلاس، پاسخ صحیح به پرسشها و غیره مورد تحسین قرار می‌گیرند، اما اثر تمجید و تحسین، آنچنان که از استفاده گسترده آن برداشت می‌شود، ساده و مستقیم نیست. معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می‌کنند، دانش‌آموزان را به وابستگی به خود تشویق می‌کنند و در واقع به آنها القا می‌کنند که تنها هنگامی در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد.

تغییر چنین الگویی ممکن است برای معلمان مشکل باشد، زیرا سالهاست که روشی معمول در مدارس است، اما با این حال می‌توان به کمک نمادهای غیر کلامی این عادت را تغییر داد. یکی راهبردها برای معلمانی که می‌خواهند به هنگام باز خورد دادن به دانش‌آموزان، میزان تحسین را کاهش دهند، استفاده از نماد غیر کلامی است (مانند علامت گذاری، که پیش از این ذکر گردید).

یک نماد خنثی مانند «کار تو عالی است» از معنای فرهنگی برخوردار نیست. نماد می‌تواند هرگونه معنایی را که معلم بخواهد در برداشته باشد. بنابراین اگر چند بار اول که معلم کار دانش‌آموز را علامت می‌گذارد، به وی بگوید: «کار تو عالی است»، دانش‌آموز می‌آموزد که علامت‌گذاری را به عنوان نمادی از تحسین کلی تعبیر کند. اما اگر معلم پس از چندبار علامت‌گذاری بگوید: «این حروف به ما کمک می‌کند تا به خاطر آوریم که شما امروز تکلیفت را در وقت معین انجام داده‌ای»، دانش‌آموز آن را به عنوان روش ثبت سابقه نسبت به موفقیت‌های تحصیلی خود خواهد دانست. در واقع هدف آن است که بازخورد اطلاعاتی به دانش‌آموز داده شود تا در شناسایی آن چه به خوبی انجام داده است و این که چه وقت و چگونه موفق بوده است، به او کمک کند.

معلم علاوه بر به کارگیری علایم یا نمادهای غیر کلامی می‌تواند فقط بخشهای موفق از عملکرد دانش‌آموزان را مورد تحسین قرار دهد. برای مثال، به جای این که روی نقاشی دانش‌آموز بنویسد: «کارت خوب است»، می‌تواند بنویسد: «با استفاده از سایه روشن که به نقاشی‌ات عمق بخشیده کار جالبی انجام داده‌ای». یا به جای آن که در بالای صفحه محاسبات ریاضی بنویسد: «خیلی پیشرفت داشته‌ای»، می‌تواند بنویسد: «دفعه گذشته در ضربهای  $7 \times 6$  و  $8 \times 7$  اشکال داشتی، اما حالا دیگر مشکلی نداری و برضرب این اعداد تسلط پیدا کرده‌ای». بدیهی است که این عبارات نیز تحسین آمیزند، اما تحسین مزبور بیشتر به آن چیزی متوجه است، که دانش‌آموز آن را به خوبی انجام داده است، نه این که تعریف و تمجید کلی از جانب معلم باشد.

### شناساندن عوامل موفقیت و شکست:

یکی از راههایی که می توان به میزان وابستگی دانش آموزان پی برد، این است، که آنها موفقیت های خود را به معلم نسبت می دهند. برخی می گویند چون معلمشان خوب بوده است رتبه بالایی آورده اند، و یا چون معلمشان به آنها کمک کرده است، در کارشان موفق بوده اند. برخی از دانش آموزان که موفقیت خود را به معلم نسبت نمی دهند، خوش شناسی یا سادگی کار را دلیل موفقیت خود می دانند. آن چه در تمام این موارد مشترک است، گرایش خارجی آنها است. دانش آموزانی که موفقیت های خود را به چنین عواملی نسبت می دهند، بر این باورند که علل موفقیت آنها بیرون از خودشان است. از نظر انگیزشی، اسناد خلاق یعنی ارزش دادن به خود و موثر دانستن و تلاشی شخصی در موقعیت های تحصیلی.

معلم از طریق ارزش دادن به دانش آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می تواند آنها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند. به طور مثال، اگر دانش آموزی در بازی بسکتبال دو پرتاب موفق داشته باشد، معلم می تواند به او بگوید: «تمرینهایی که دیروز انجام دادی در پرتابهای امروزت مؤثر بود.» یا وقتی دانش آموز مقاله خوبی می نویسد، به او بگوید: «حتما وقت زیادی برای تهیه مقاله ات صرف کرده ای، جمله بندی نقطه گذاری و نکات دستوری آن بی نقص هستند.»

در این دو مثال، موفقیت دانش آموزان به تلاش آنها نسبت داده شده است. همچنین می توان دانش آموزان را تشویق کرد تا موفقیت های خود را به تواناییهای خود نسبت دهند، برای مثال، اگر



دانش آموزی در موضوعی خاص دارای ادراک خوبی است، باید توجه او را به توانایی اش جلب نمود.

همان طور که لازم است به دانش آموزان کمک کرد تا موفقیت‌های خود را به توانایی خود نسبت دهند، در مورد شکست‌های خود نیز باید چنین کنند. دانش آموزان باید پیاموند تا امتحان شکست خورد، نباید شکست خود را انکار کند، بلکه باید آن را بپذیرد، اما لازم است آن را ناشی از عدم تلاش خود بداند. برای مثال، شاید نیاز باشد، که بیشتر مطالعه کند. معلم باید هنگام صحبت پیرامون شکست دانش آموز بر آن چه که در کنترل فرد است و برای کسب موفقیت می‌تواند با آن برخورد کند، تاکید نماید.

یک برنامه مطالعه انتخابی:

تمرینی که در این فصل شرح می‌دهیم برای همه معلمانی که در مقاطع مختلف تدریس کرده‌اند، آشناست. این تمرین در ظاهر شبیه به برنامه صامت خوانی مستمر است. ویژگی آن چنان است که دانش آموزان کتاب در مورد علاقه خود را انتخاب و هر روز برای مدت معینی به آرامی آن را مطالعه می‌کنند. با این حال چنان که خواهیم دید، برنامه صامت خوانی فراتر از آن است که تا به حال به آن اندیشیده‌ایم.

نوعی از صامت خوانی مستمر:

شرح:

برنامه‌ریزی: تقریباً همانند همه برنامه‌های صامت خوانی مستمر، اساس این برنامه آن است که دانش آموزان کتابهای خود را انتخاب می‌کنند و هر روز برای مدتی نه چندان زیاد - پانزده تا سی

دقیقه - آن را مطالعه می کنند. تجربه نشان داده است که تعیین مدت زمان مطالعه نتایج خوبی دارد. اگر چند کلاس با هم اداره شوند، زمان مطالعه در پانزده دقیقه آغاز کلاس است و در برنامه ای که مربوط به یک کلاس شود، زمان مطالعه بهتر است دقیقا پس از زنگ تفریح و یا صرف ناهار باشد.

چون مطالعه عبارت از فعالیتی آرام است، برنامه ریزی زمان آن پس از یک فعالیت پر سروصدا کمک می کند، تا به زودی همه دانش آموزان آرام گیرند.

کتابخانه کلاسی. اگر چه معلمان از کتابخانه های عمومی و غیره، استفاده می کنند، اما آشکار شده است که داشتن کتابخانه در کلاس به برنامه های صامت خوانی کمک فراوانی می کند. این کتابخانه ها باید دارای کتابهای متناسب با دوره آموزشی و نیز سطح سنی و توانایی دانش آموزان باشد. بنابراین یک معلم ابتدایی ممکن است در همه زمینه ها و البته در گروه سنی مورد نظر کتابهای مختلف را برای کتابخانه کلاسی، لازم و مناسب بشمارد. اما برعکس ممکن است یک معلم تاریخ در دبیرستان، برای آشنایی هرچه بیشتر دانش آموزان با وقایع تاریخی بخواهد همه قفسه های کتابخانه را از این گونه انباشته کند.

نقش معلم: شاید بزرگترین تفاوت میان مطالعه مستمر رایج و برنامه ای که در اینجا ارائه می دهیم، آن است که معلم در این برنامه همراه با دانش آموزان مطالعه نمی کند. به یقین معلمان باید اهل مطالعه باشند و با دانش آموزان از مطالعات خود سخن گویند و حتی باید کتابهای مناسبی را با خود به مدرسه بیاورند و در اختیار دانش آموزان قرار دهند. اما در این برنامه معلم در کلاس قدم

می زند و پیشرفتهای دانش آموزان را ثبت می کند و درباره آن به آنان بازخورد می دهد. خال به مثالی برای درک این امر می پردازیم.

در اولین روز تحصیلی معلم به دانش آموزان می گوید: «فردا کتابی برای خود بیاورید و این ساعت آن را مطالعه کنید» (زمان برنامه ریزی شده مطالعه). «می توانید کتاب را از منزل و یا از کتابخانه کلاس و یا هر کتابخانه دیگری بیاورید». چیزی که مهم است، در این ساعت باید مطالعه کرد. روز بعد وقتی دانش آموزان به کلاس می آیند، روی تخته نوشته شده است: «هم اکنون مطالعه کنید». همچنین روی میز همه آنها بر روی تکه کاغذی همین عبارت نوشته شده است. اگر معلم از روش تقویمی استفاده می کند، کاغذهای وری میزها می تواند یک روز از تقویم باشد، که فعالیت آن روز را مشخص می کند.

دلیل این یاد آوری آن است که دانش آموزان بدون دستور شفاهی معلم مطالعه خود را آغاز کنند. بیشتر دانش آموزان توجه چندانی به این اظهارات کتبی ندارند و منتظر کلام شفاهی معلم می مانند. اما معلم چنین نمی کند و در جای خود به آرامی منتظر می ماند و کتابچه نمره را در دست می گیرد و با لبخند به دانش آموزان نگاه می کند تا سرانجام یکی از دانش آموزان مطلب را بفهمد و به آن عمل کند. برخی از دانش آموزان ممکن است عصبی شوند، که چرا معلم حرفی نمی زند و فعالیت آن روز را شروع نمی کند. آنها با نگاههای پرسشگر به همدیگر نگاه می کنند. سرانجام یکی از آنها کتابی را برمی دارد و شروع به مطالعه می کند. معلم به طرف وی می رود، به عنوان کتاب نگاه می کند و جمله مثبتی را بر زبان می آورد. «کتاب خوبی به نظر می آید» و صفحه کتاب دانش آموز را در دفتر خود ثبت می کند.

دانش آموزان دیگر با دیدن این واقعه در می‌یابند که آنها نیز باید مطالعه کنند، بنابراین یا کتابی را که از منزل آورده‌اند می‌خوانند و یا به سراغ کتابخانه کلاس می‌روند. معلم رفتار خود را مورد دانش آموز اول با دیگران نیز به هان ترتیب تکرار می‌کند. سپس برخی از دانش‌آموزان ممکن است در مورد چیزی که معلم در دفتر خود یادداشت می‌کند، پرسش کنند. معلم می‌تواند در پاسخ به سادگی بگوید که یادداشت می‌کند که دانش‌آموزان چه صفحه‌ای را می‌خوانند. معلم حتی می‌تواند سابقه مطالعه دانش‌آموزان را به آنها نشان دهد. همچنین معلم می‌تواند از تقویمها برای ثبت برنامه مطالعه استفاده کند.

روز بعد به طور دقیق همان برنامه تکرار می‌شود. در این روز حتما اغلب دانش‌آموزان راحت‌تر مطالعه می‌کنند. به تدریج می‌توان تذکر بر روی تخته و میز را حذف کرد. دانش‌آموزان ساختار زمان مطالعه را درونی می‌کنند و دیگر لازم نیست زمان مطالعه به آنها گفته شود. اما چون از آغاز معلم به طور کلامی به آنها چیزی نگفته است، آنها می‌آموزند که برای شروع هر فعالیتی نباید در انتظار دستور معلم باشند. اما اگر معلم ثابت قدم نباشد و بالاخره دستور شفاهی به آنها بدهد، دانش‌آموزان چنین می‌آموزند که از آنها انتظار ندارند که قبل از دستور معلم مطالعه کنند، و بنابراین در انتظار این دستورها می‌مانند.

در طول سالها با بسیاری از معلمان کار کرده‌ایم که برای این برنامه آموزشی می‌دیدند، اغلب آنانی که از این برنامه رضایت داشتند، لزومی برای دستورات شفاهی نمی‌دیدند و فقط به آرامی در کلاس قدم می‌زدند و شماره صفحات مطالعه شده را یادداشت می‌کردند و از کنار آنهاپی که مطالعه نمی‌کردند به آرامی می‌گذشتند. اغلب دانش‌آموزان پس از دو هفته سرانجام کتابی را برای

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مطالعه می آورند. معلم هم باید پس از سه دقیقه از شروع مطالعه، صفحه مورد نظر را یادداشت

کند.

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

### مطالعه کنندگان متمرّد:

خیلی به ندرت اتفاق می افتد که دانش آموزی به دلایل مختلف از مطالعه خودداری می کند. معلمان باید آمادگی لازم را برای برخورد کردن با این گونه از دانش آموزان داشته باشند. یک بار در کلاس سوم راهنمایی دانش آموزی داشتم، که در هفته اول به من گفت، تاکنون هیچ کتابی را به طور کامل مطالعه نکرده است و گفت که اکنون نیز تمایلی به این کار ندارد. او همواره آماده بود، که او را برای تنبیه از کلاس بیرون بفرستم. او در هفته اول هیچ مطالعه نکرد و ظاهر نافرمان خود را کاملاً نشان می داد. روشن است که معلمان چنین رفتاری را تحمل نمی کنند و او را بیرون می کنند. در واقع او نیز همین را می خواست. اما من این را پی بردم. بنابراین اصلاً به او توجهی نکردم.

من به کار خود با دیگران ادامه می دادم و او هم بدون توجه به دیگران نشسته بود. او چند هفته به این ترتیب از مطالعه امتناع می کرد. احساس می کردم شکست خورده ام اما روزنه امیدی هم وجود داشت. او در دیگر فعالیتهای کلاس نافرمانی نمی کرد. در واقع او از تکالیف نوشتاری خود لذت می برد. بنابراین برای انجام آنها علایمی را برایش اختصاص می دادم و نوعی رابطه کاری را کم کم با او شکل می دادم. اما وی همچنان از مطالعه اجتناب می کرد. نظر من آن بود، کاری را کم کم با او شکل می دادم. اما وی همچنان را مطالعه اجتناب می کرد. نظر من آن بود، که وی باید در کلاس بماند و از دیگر فعالیتهای بهره ببرد. به نظر من بهترین راه برای چنین موردی همان بی توجهی است. اما هنگامی که نظر جدیدی برایم پیدا شد شیوه خود را تغییر دادم و همان بی توجهی است. اما هنگامی که نظر جدیدی برایم پیدا شد شیوه خود را تغییر دادم و

تصمیم گرفتن در این مورد با وی برخورد کنم. یک نسخه از کتابی را که دیده بودم بیشتر بچه‌ها تصمیم گرفتند در این مورد با وی برخورد کنم. یک نسخه از کتابی را که دیده بودم بیشتر بچه‌ها آن را دوست دارند، در جاکتابی وی گذاشتم. خودم فکر می‌کردم که به محض دیدن آن شروع به مطالعه می‌کند. اما وی پس از دیدن آن خیلی نگران و ناراحت شد، که آن کتاب در آن جا چه می‌کند. اما وی پس از دیدن آن خیلی نگران و ناراحت شد، که آن کتاب در آن جا چه می‌کند. من هم به آرامی برایش توضیح دادم که گاهی اوقات بقیه دانش‌آموزان کتابی خود را این طرف و آن طرف رها می‌کنند و این که وی نباید موضوع ناراحت باشد. در ضمن به او گفتن اگر وقت کنم، آن را از آن جا برمی‌دارم. سه روز این کار را تکرار کردم و سرانجام او کتاب را برداشت و شروع مطالعه آن کرد. من خیلی آرام به نزدیک او رفتم و برایش در دفترم علامت گذاشتم و شماره صفحه یک را در آن نوشتم و بدون این که به او چیزی بگویم دور شدم. او از این کتاب خیلی لذت برد. در واقع پس از تمام کردن آن، شروع به مطالعه دوباره آن کرد. او برای زمان مطالعه خود این طور انتخاب کرده بود و انتخابش قابل پذیرش بود. من هم در دفتر خود علامت مطالعه کردن دو کتاب را برای او ثبت کردم. وی در بقیه سال به شدت به مطالعات خود ادامه داد. اما همواره، از همان نویسنده کتاب می‌خواند.

اما چرا او از آغاز برای مطالعه مقاومت می‌کرد. در واقع او در چهار کلاس مردود شده بود. و برخوردش با من در واقع برخورد با اقتدار معلمها بود. چنین دانش‌آموزانی ممکن است به طور غیر مستقیم با معلم مبارزه کنند. آنها پنهانی تصمیم می‌گیرند که کاری دیگری به جز آن کنند، که

معلم می گوید. معلمانی که مایلند این رفتار نامناسب را مهار کنند لازم است، که در این موارد فقط با بی توجهی، با این رفتار مقابله نکنند.

یک راه آن است که معلم به آرامی به نزدیک چنین دانش آموزی رود و آرام و قاطع بگوید: «انتخاب فعلی شما این نیست. انتخاب شما این است که یا مطالعه کنید و یا کار دیگری انجام ندهید.» بعد از او دورشد و فرصت پاسخگویی به انتخابی که معلم عنوان کرده است را به وی داد. در صورتی که باز هم به رفتار نامناسب خود ادامه دهد معلم باز هم به آرامی به وی نزدیک می شود و هرچه را به آن مشغول است از او می گیرد و به او می گوید، که پس از پایان کلاس آن را به او باز می گرداند.

#### گزارش کتاب و کنفرانسها:

البته لازم نیست که دانش آموزان پس از اتمام کردن هر کتاب، از آن گزارش تهیه کنند. اگر چنین تکلیفی را قرار دهیم، خود بدل به عامل بازدارنده در ادامه مطالعات می گردد. در این مواقع دانش آموزان سرعت مطالعه خود را کم می کنند، تا دیرتر به مرحله گزارش نویسی برسند. دانش آموزان سرعت مطالعه کتاب اول به سراغ کتاب دوم روند. البته می تون به آنها گفت، که اگر بخواهند می توانند گزارشی از کتابی که خوانده اند تهیه کنند، اما نباید به صورت وظیفه باشد. حال معلم می تواند از آنها بخواهد، که کنفرانسهای هفتگی برگزار کنند، که براساس مطالب مورد علاقه آنها باشد و خارج از حوزه مطالب کتبی باشد، که خوانده اند. می توانند آخرین فصل کتابی را که خوانده اند خلاصه کنند، یا پیش بینی کنند که در کتابهای بهدی با چه مطلبی مواجه خواهند شد.



البته با نظر کردن به این کنفرانسها نباید به این امر اهمیت دهیم، که دانش‌آموزان چه قدر پیشرفتن کرده‌اند. معل در این کنفرانسها می‌تواند سوابق مطالعه هفتگی را با دانش‌آموزان مرور کند و برنقاط ضعف وقوت آنها تکیه کند. معلم همچنین می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد هر هفته مطلبی درباره کتابهایشان بنویسند. اما این نوشته‌ها نباید مشروط به تمام کردن کتاب باشد. روش دیگر آن است که از آنها بخواهیم تا در مورد کتابهای که خوانده‌اند، نامه‌هایی به دوستان خود بنویسند در آنها مزیت‌های کتاب را بشمارند و خواندن آن را توصیه کنند یا آن را انتقاد کنند و دلایل نقد خود را شرح دهند.

مطالعه در حوزه‌های محتوایی که در حالی که این برنامه صامت خوانی خصوصا برای معلمان مدرسه ابتدایی و نیز درس قرائت و انگلیسی مدارس راهنمایی مناسب دارد، در حوزه محتوایی نیز به طور موفقیت‌آمیز از این برنامه بهره یافته‌اند. معلمان علوم اجتماعی و تاریخ می‌توانند کتابهای درباره سرگذشت نامه و یا داستانهای تاریخی و کتابهایی که شیوه زندگی مردم را در زمانها و مکانهای مختلف نشان می‌دهد در کتابخانه کلاس قرار دهند و از آنها در برنامه صامت‌خوانی بهره گیرند. البته بهتر است کتابخانه را براساس موضوع کتابها مرتب نمود.

معلمان علوم هم می‌توانند کتابهایی در زمینه زندگی دانشمندان و یا داستانهای علمی را در کتابخانه کلاس قرار دهند. اگر چه بعضی از دروس زمینه بیشتری را برای انتخاب کتاب فراهم می‌کند، اما به هر حال کتابهای متناسب با هر درسی را می‌توان برگزید و در برنامه صامت‌خوانی مورد استفاده قرار داد.

برگزاری امتحان:

شرح:

امروزه چه چیزی در مدارس ما به جز امتحان گرفتن با اهمیت تلقی می‌شود؟ در حالی که نظر معلمان در مورد امتحانهای کوتاه فقط ارزیابی ساده با یادگیری دانش‌آموزان نیست، بلکه اهم فشاری محسوب می‌شود تا دانش‌آموزان را به فعالیت بیشتر وادارد. برای مثال دیده می‌شود که معلم بارها دانش‌آموزان را از وقوع امتحانی که خواهد گرفت، می‌ترساند. به علاوه بیشتر اوقات معلم می‌خواهد با گرفتن یک امتحان کوتاه صرفاً بفهمد، که آیا دانش‌آموزان درس را مرور کرده‌اند یا خیر و هرگز در این اندیشه نیست، که دریابد آیا دانش‌آموزان مطلب را ادراک کرده‌اند یا خیر.

اگر معلم به انگیزش درونی دانش‌آموز می‌اندیشید می‌باید از هرگونه امتحانی که به ارزیابی حقیقی و معنادار یادگیری آنان نپردازد، اجتناب ورزد. در واقع معلمان نباید از امتحان گرفتن برای برانگیختن دانش‌آموزان به مطالعه استفاده کنند، بلکه باید از آن برای فعالیتهای سود جست که با این نوع ارزیابی مناسب داشته باشد. معلمان بدون تردید از آزمونهای استاندارد استفاده می‌کنند، اما همواره هم چنین نیست. این آزمونها در اوایل سال برای شناسایی توانایی دانش‌آموزان و در پایان سال نیز برای مستند کردن پیشرفتهای آنان برگزار می‌گردد. اما امتحانهای میان سال می‌تواند نتایج مطلوبی را به دنبال داشته باشد. برای آنها امتحان گرفت عبارت‌اند از: یادگیری فهرست لغات هجی، فهرست لغات واژگان، و مجموعه‌ای از محاسبات ریاضی. این

فعالیتها همواره پاسخهای ثابت و خاصی دارند، که به دست آوردن شاخص عینی از عملکرد دانش آموز به شکل امتحان در مورد آنها بجاست.

ارزیابی طرحها:

شرح:

در حالی که برخی از اشکال یادگیری از طریق آزمونهای کوتاه می تواند به خوبی مورد ارزیابی قرار گیرد، اما برخی مطالب دیگر به دلیل ذهنی بودن خود قابل ارزیابی به توسط این گونه آزمونها نیست. برای مثال دریافت دانش آموزان از یک متن ادبی و یا یک واقعه تاریخی را نمی توان از طریق آزمونهای کوتاه ارزیابی نمود. در واقع در این موارد ارزیابی معنای حقیقی خود را از دست می دهد، و آن دانش آموزانی که بهتر کلمات معلم را حفظ کرده اند، نمره بالاتری می گیرند، و آنهایی که آن را واقعا فهمیده اند، پس چه بسا نمرات خوبی نگیرند. بنابراین لازم است تا معلمان به دنبال روشهایی باشند که بتوانند فهم و دریافت دانش آموزان را بدون این گونه آزمونها ارزیابی کنند.

ارایه بازخورد:

شرح:

هم اکنون لازم است بین نمره دهی و ارایه بازخورد به دانش آموزان، تمایز مهمی را قابل شویم. نمرات برای ارزیابی عملکرد دانش آموزان است، اما در واقع بیان نمی کنند که آنها چه چیزی را به خوبی و یا غیر آن انجام داده اند. اما شیوه بازخورد در مورد کیفیت عملکرد دانش آموزان اطلاعاتی را در اختیار آنها می گذارد که در چه زمینه ای خوب و یا ضعیف عمل کرده اند، و این

درحالی است که تا پایان در مورد کیفیت فعالیت هیچ داوری صورت نمی‌گیرد. دیگر آن که باز خورد اغلب شامل پیشنهادهایی است که چگونه دانش آموز می‌تواند در کارهای آینده عملکرد خود را بهبود بخشد؟

معلمان اغلب نقش بازخورد و نمره‌دهی را با هم اشتباه می‌گیرند، و فرضشان این است که یک شکل از اطلاعات (نمرات) معادل شکل اطلاعات (بازخورد) است. درحالی که کارکرد نمرات بسیار متفاوت از کارکرد بازخورد است. نمرات بر مبنای طبقه بندی دانش آموزان بر اساس کفایت آنها است. اما بازخورد، عبارت از کمک به دانش آموز در جهت کسب کفایت بیشتر است. بنابراین در حالی که نمرات را نمی‌توان به تأخیر انداخت، تا دانش آموزان تکالیف خود را کامل کنند، بازخورد را می‌توان و باید قبل از تکمیل تکالیف به آنها ارائه داد، تا برای بهبود عملکرد خود بتوانند از آن استفاده کنند.

برای مثال دانش آموزانی که به روی طرحهایی کار می‌کنند که در نهایت نمره دریافت می‌کنند باید همواره فرصت داشته باشند تا از سوی معلمان و یا دانش آموزان دیگر بازخورد اطلاعاتی لازم را دریافت کنند. بازخورد اطلاعاتی قبل از به نتیجه رسیدن طرح قرار دارد و برای کمک به دانش آموزان در چگونگی بهبود طرح برنامه ریزی می‌شود. پس هنگامی که معلمان دربارهٔ پیش نویس یک مقاله اظهار نظر می‌کنند، در واقع برای تهیه نسخه نهایی مقاله، بازخورد اطلاعاتی در اختیار دانش آموزان خود می‌گذارند. یا وقتی معلم در هنگام طرح یک قضیه هندسی در برابر استدلالهای غیر منطقی دانش آموز علامت می‌گذارد، به او بازخورد اطلاعاتی می‌دهد. دانش آموزان را باید تشویق کرد که قبل از ارائه مقالات یا مسایل خود با اطلاعاتی می‌دهد.

دانش آموزان را باید توشیح کرد که قبل از ارایه مقالات یا مسایل خود را استفاده از این بازخوردها بازهم بیاندهند و در آنها تجدید نظر کنند.

معلمان باید بازخورد اطلاعاتی مناسب با هر کیفیت را به دانش آموزان ارایه دهند. اظهاراتی مانند «کارخوب» و «نیاز به بهبود دارد» در واقع چیزی بیش از نمره دادن عرضه نمی کند. دانش آموزان نیاز دارند که بدانند چرا نتیجه کار آنها نمونه و خوب است. برای مثال «شما این بار نتهای بالا را بهتر از هفته قبل می نوازید» یا «شما به طور آشکار به مهارتهای استفاده از کلمات نیاز دارید تا بتوانید ترسیم کنید که کلمه فتوستتز به چه معناست» و یا «من متوجه شدم که شما توانستید این بار حاصل جمع را بر عدد ۲ تقسیم کنید».

همین طور دانش آموزان نیاز دارند بدانند که چه چیزی را نادرست و یا ضعیف انجا داده اند. مانند «لازم است که در این قسمت از داستان از لغات توصیفی تر استفاده شود» یا «نموداری که رسم کرده ای تقارن ندارد، این سمت نمودار باید به اندازه سمت دیگر باشد». معلمان می توانند هم برای هدایت ارزیابی نهایی و هم برای ارزیابی تلاشهای مقدماتی دانش آموزان از برگه های ارزیابی استفاده کنند. به این برگه ها، برگه ارزیابی طرحها می گویند. معلم پس از دادن برگه ارزیابی به دانش آموزان فهرست ملاکهای ارزیابی نهایی را به آنها یادآور می شود. دانش آموزان قادر خواهند بود به یکدیگر بازخورد بدهند.

درحالی که بازخورد باید همواره به مقدار زیادی متمایز باشد، گاه گاه معلمان می توانند با ثبت یک علامت به طور دقیق مشخص کنند که چه چیزی به خوبی انجام شده است و چه چیزی باید باز هم انجام شود. به این ترتیب به دانش آموزان فرصت می دهیم، که خود بیاندهند که چگونه

در مواردی موفق بوده‌اند و در مواردی نیز موفق نبوده‌اند. برای مثال معلم می‌تواند برای اولین گام غیر منطقی در حل یک قضیه هندسی علامتی بگذارد. برای این که این شکل از بازخورد که چندان مستقیم نیست به دانش‌آموزان کمک کند تا درباره کار خود به خوبی فکر کنند، باید فوری ارایه شود، یعنی هنگامی که هنوز دانش‌آموزان کمک کند تا درباره کار خود به خوبی فکر کنند، باید فوری ارایه شود. به علاوه نشانه‌های غیر شفاهی و نمادها باید به طور مستقیم بر نقاط قوت و ضعف اشاره داشته باشد و جایی برای برداشتهای درست دانش‌آموز باقی نگذارند، که کدام یک از کارهای او درست یا نادرست بوده است (مثل این که فقط علامت گذاشتن قضایایی که در یک مجموعه قضایا غیر منطقی‌اند بی‌آن که آن چه را که به خطا منجر شده مشخص کند، محتمل نیست که به اندازه کافی سودمند باشد).

معلمان باید فرصتهایی را بیابند که در برابر رفتار کلاسی و دستاوردهای تحصیلی دانش‌آموزان. بازخورد اطلاعاتی لازم را به آنها ارایه دهند. اغلب دانش‌آموزان به دلیل رفتار نامناسب خود در کلاس سرزنش می‌شوند، اما کمتر رفتار مناسب آنها تأیید می‌گردد. هنگامی که معلمان همه رفتارهای مناسب را نادیده می‌گیرند و فقط رفتارهای نامناسب را در نظر می‌آورند، این تصور برای دانش‌آموزان حاصل می‌شود، که آنها هرگز عمل مناسبی انجام نمی‌دهند. بنابراین لازم است که معلمان با تصدیق آرام و خصوصی، رفتارهای مطلوب دانش‌آموزان را مشخص نمایند.

برای آن که معلمان از موفقیهای رفتاری دانش‌آموزان در کلاس آگاه باشند، باید همواره به دنبال آنها باشند. بنابراین هنگامی که دانش‌آموزان در گروههای کوچک کار می‌کنند، معلم نباید در جلوی کلاس بنشیند و به تصحیح اوراق پردازد. او باید بر دانش‌آموزان نظارت داشته باشد و

ببیند که چگونه در کار گروهی همکاری می کنند. پس از پایان کار نیز معلم می تواند به دانش آموزی که قبلا در کار مشکل داشته است به طور خصوصی بگوید که امروز در چندین مورد سهم خوبی را ادا کرده است، و به دانش آموزی که از گروه فاصله می گرفته است بگوید، که با آوردن صندلی خود به نزدیک دیگر اعضای گروه کار خوبی کرده است، زیرا حالا دیگر او را جزو گروه خود می دانند. همین طور هنگامی که دانش آموزان مشغول انجام تکالیف فردی خود هستند، معلم باید در کلاس حرکت کند و دانش آموزان تکلیف گرا را مورد تصدیق قرار دهد. یکی از مسؤلهای اولیه معلم دادن باز خوردی به دانش آموزان است که تلاشهای رفتاری و تحصیلی آنها را افزایش بخشد. دانش آموزان نیاز دارند که بدانند چه هنگام موفق بوده اند. لذا این بازخورد باید حتی الامکان مستمر و فوری صورت گیرد. به علاوه این بازخورد بایستی به طور خنثی و به روش توصیفی ارائه شود. برای مثال همراه با تبسم و تکان دادن سر گفته شود که: «شما امروز به موقع آمدی». یکی از اشکال خنثی و غیر کلامی بازخورد عبارت از علامت گذاری است. در نهایت هدف از بازخورد اطلاعاتی نباید تحسین دانش آموزان و برای تأمین خواسته های معلم باشد، بلکه باید اطلاعاتی را به آنها داد که در راستای این دریافت درست باشد، که معنای دانش آموز موفق را آشکار سازد. این که معلم چه طور باخورد خود را ارائه کند، عامل مهمی است برای این که دانش آموز بازخورد را چگونه ببیند. بنابراین معلمان برای القای پیامهای مثبت خود به دانش آموزان نباید از پاداشهای بیرونی استفاده کنند. این پیامها باید خیلی ساده به صورت اطلاعاتی باشد، که به آنها بگوید، که آیا در کار خود موق یا ناموفق اند؟

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فهرست منابع:

- ۱- روانشناسی تربیتی و یادگیری  
دکتر علی اکبر سیف
- ۲- انگیزش در کلاس درس  
مولف چریل ال اسپادرینگ
- ۳- مترجمان محمدرضا نائینیان  
اسماعیل بیابانگرد



جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooen.com](http://www.kandooen.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: qq  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 4/11/2012 8:49:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: hadi tahaghoghi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 4/11/2012 8:49:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 40  
Number of Words: 7,350 (approx.)  
Number of Characters: 41,901 (approx.)